



سعید عظمتی
معاون دفتر تحلیل و نظارت بر امور پژوهشی، دانش‌بنیان و فناوری هیئت مؤسس

تحولات زیست محیطی سه دهه اخیر، از تسریع روند تغییرات اقلیمی گرفته تا تشدید تخریب اکوسیستم‌ها، موجب شکل‌گیری ادبیاتی جدید در حوزه حکمرانی منابع و توسعه پایدار شده است که بر عبور از پارادایم‌های کلاسیک رشد اقتصادی و گذار به الگوهای اکولوژیک در سیاست‌گذاری عمومی تأکید دارد. در این میان، نهادهای آموزش عالی به‌عنوان کنشگران میان‌سطحی در نظام تولید دانش و تربیت سرمایه انسانی، به‌گونه‌ای فزاینده در معرض بازتعریف مأموریت‌های خویش قرار گرفته‌اند. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد دانشگاه‌ها از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو، تحت‌تأثیر اسناد بین‌المللی مانند چهارچوب‌های منشور تالواراو لوزان، مکلف به بازاندیشی در ساختار مصرف، تولید و آموزش‌های خود در نسبت با محیط‌زیست شده‌اند.

در پاسخ به این روند، مفهومی تحت عنوان «مدیریت سبز دانشگاهی» یا Campus Green Management، به‌عنوان برساخت‌ای میان‌رشته‌ای در تقاطع علوم محیط‌زیست، مدیریت عمومی، مهندسی منابع و آموزش عالی، وارد فضای سیاست‌گذاری دانشگاهی شد. این رویکرد، ناظر بر طراحی نظام‌مند فرایندها، زیرساخت‌ها و رویه‌های اداری و آموزشی در راستای کاهش آثار منفی زیست محیطی، ارتقای بهره‌وری منابع طبیعی، تسهیل بازیافت پسماند، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارتقای سطح آگاهی و رفتار محیط‌زیستی جامعه دانشگاهی است.

با این حال در بسیاری از کشورها به‌ویژه در جنوب جهانی، مدیریت سبز در دانشگاه‌ها هنوز در مرحله نمادسازی اداری باقی مانده و به دلایلی همچون ضعف ساختار نهادی، نبود نظام پایش، چالش‌های مالی و مقاومت‌های فرهنگی، از استقرار پایدار و ساختار یافته‌باز مانده است. در ایران نیز، علی‌رغم پیش‌بینی‌هایی در برخی اسناد نظیر آیین‌نامه‌های اجرایی ماده ۱۹۲ بر نامه پنجم توسعه یا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، نظام آموزش عالی هنوز از یک الگوی منسجم و عملیاتی برای پیاده‌سازی مدیریت سبز در سطح دانشگاهی برخوردار نیست. مقاله پیش رو با هدف پرکردن بخشی از این خلأ نظری و سیاستی، در سه بخش اصلی سامان یافته است. نخست، مروری انتقادی بر تجارب جهانی و داخلی در حوزه دانشگاه سبز خواهد داشت. سپس به واکاوی الزامات سیاسی، ساختاری و فناورانه استقرار مدیریت سبز در محیط‌های دانشگاهی خواهد پرداخت و نهایتاً، مجموعه‌ای از راهبردهای پیشنهادی برای تدوین الگوی بومی مدیریت سبز در آموزش عالی ایران و دانشگاه آزاد اسلامی ارائه خواهد کرد.

مروری تحلیلی بر تجارب بین‌المللی وملی در استقرار مدیریت سبز دانشگاهی

توسعه مدیریت سبز در دانشگاه‌ها طی دهه‌های اخیر، نه صرفاً دَر قالب اقدامات محیط‌زیستی منفرد، بلکه به‌عنوان بخشی از تحولات ساختاری در حکمرانی آموزش عالی در بسیاری از کشورها تثبیت شده است. بررسی تطبیقی تجارب جهانی نشان می‌دهد استقرار موفق رویکردهای پایداری، مستلزم سه مؤلفه بنیادین بوده است: الف) تعبیه الزامات زیست محیطی در اسناد سیاست‌گذاری کلان دانشگاهی، ب) توسعه زیرساخت‌های فناوری محور برای مدیریت انرژی، پسماند و منابع طبیعی و ج) ایجاد سازوکارهای مالی و مشارکتی برای پیاده‌سازی بلندمدت. در ایالات متحده، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی با تأسیس صندوق The Green Initiative Fund (TGIF)، سازوکاری برای تأمین مالی پروژه‌های دانش‌بنیان در حوزه محیط‌زیست طراحی کرد. این صندوق که با مشارکت دانشجویان و در قالب مصوبه شورای دانشگاهی بنیان نهاده شد، از پروژه‌های متنوعی چون احیای زیستگاه‌های طبیعی، کاهش مصرف انرژی در خوابگاه‌ها و بازیافت مواد زائد حمایت کرده است.

دانشگاه توکیو در قالب پروژه تحول سبز، با تشکیل کمیته راهبردی زیست محیطی با مشارکت دانشجویان و اعضای هیئت علمی، به بازآرایی ساختارهای اداری، تدوین سیاست‌های پایداری برای ساخت‌وسازها و توسعه سامانه‌های هوشمند انرژی در سطح پردیس پرداخته است. ویژگی مهم این تجربه، تداخل میان حکمرانی سبز و حکمرانی دانشگاهی است که نشان می‌دهد پایداری، بخشی از راهبرد نهادی دانشگاه تلقی شده، نه یک پروژه جنبی یا دوره‌ای. دانشگاه ملی سنگاپور (NUS) با تدوین نقشه راه زیست پایدار تا سال ۲۰۳۰، تعهدی چندوجهی را نسبت به تبدیل شدن به یک نهاد کربن خنثی آغاز کرده است. در این چهارچوب، استفاده از انرژی خورشیدی، بهره‌گیری از بلاک‌چین برای گزارش دهی شاخص های ESG، طراحی معماری سبز در ساختار فیزیکی

دانشگاه چگونه می‌تواند از مصرف‌کننده انرژی به تولیدکننده نظم اکولوژیک بدل شود؟

۶ راهبرد برای طراحی الگوی حکمرانی سبز دانشگاه

برای ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به این حوزه و بهره‌گیری از ظرفیت خیرین محیط‌زیستی نیز می‌تواند خلأهای مالی را تا حدی پوشش دهد.

۵) یکپارچه‌سازی آموزش محیط‌زیستی در برنامه‌های دانشگاهی

الگوی دانشگاه سبز نیازمند هم‌راستایی محتوای آموزشی با الزامات زیست محیطی است. طراحی دروس میان‌رشته‌ای پایداری، گنج‌آندن آموزش‌های اقلیمی و انرژی در برنامه‌های عمومی دانشجویان و اجرای دوره‌های ضمن خدمت برای کارکنان، از مصادیق عینی این راهبرد است. تجربه دانشگاه‌های پیشرو نیز نشان می‌دهد موفقیت در اجرای مدیریت سبز بدون تحول آموزشی عملاً ناپایدار و زودگذر خواهد بود.

۶) فعال‌سازی ظرفیت نهادهای دانشجویی در پیاده‌سازی پروژه‌های سبز طراحی چهارچوبی حقوقی برای به رسمیت شناختن فعالیت شکل های دانشجویی در حوزه محیط‌زیست و اختصاص بودجه مشخص برای طرح‌های زیست محیطی کوچک مقیاس، منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی، تقویت حس مالکیت و پایداری پروژه‌های سبز خواهد شد. تجربه دانشگاه‌هایی نظیر توکیو و برکلی، مؤید آن است که هرگاه بدنه دانشجویی، جزئی فعال از فرایند طراحی و اجرا باشد، ضرب موفقیت پروژه‌ها به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌یابد.

دانشگاه به مثابه کنشگر کلیدی در معماری نظم زیست پایدارآینده

تحلیل تحولات جهانی در حوزه پایداری زیست محیطی و تطبیق آن با وضعیت آموزش عالی در ایران، نشان می‌دهد که استقرار مدیریت سبز در دانشگاه‌ها صرفاً یک انتخاب فناورانه یا اصلاح فرایند اداری نیست، بلکه نماد گذار به نوعی از حکمرانی جدید در نظام آموزش و دانش است؛ حکمرانی‌ای که در آن شاخص‌های سنتی بهره‌وری و عملکرد با ملاحظات زیست محیطی، اخلاقی و بین‌نسلی تکمیل می‌شوند. در چنین افقی دانشگاه‌نه تنها متولی آموزش آکادمیک بلکه مسئول تنظیم مناسبات انسان-محیط‌زیست، نه‌اندین‌سازی رفتارهای پایدار و تولید الگوی فرهنگی-اجتماعی سازگار با الزامات اقلیمی خواهد بود. به عبارت دیگر اگر دانشگاه‌ها در قرن بیستم موتور محرک توسعه صنعتی و اقتصادی بودند، در قرن بیست و یکم می‌بایست موتور محرک توسعه پایدار و متوازن باشند. این وظیفه، مستلزم گذر از دوگانه‌های کلاسیکی چون «توسعه در برابر حفاظت»، «پیشرفت در برابر محدودیت» و خلق پارادایمی جدید است که در آن، علم، فناوری و فرهنگ به‌جای تسلط بر طبیعت در خدمت هم‌زیستی هوشمندانه با آن قرار گیرند. از این منظر مدیریت سبز، نه ابزار تکمیلی بلکه بستر بنیادی شکل‌گیری دانشگاهی در تراز آینده است.

مقاله حاضر با مروری بر پیشینه نظری، تجارب جهانی، چالش‌های ساختاری و ارائه مجموعه‌ای از راهبردهای بومی کوشید تا مسیر واقع‌گرایانه‌ای برای حرکت نظام آموزش عالی ایران به سوی دانشگاهی سبز، مسئول، فناورانه و مشارکت‌پذیر ترسیم کند. تحقق این چشم‌انداز مستلزم تعهد بلندمدت تصمیم‌گیران، هوشمندسازی سیاست‌گذاری، تقویت زیرساخت‌های فناورانه و فعال‌سازی سرمایه اجتماعی درون دانشگاه‌هاست. تنها در چنین چهارچوبی است که دانشگاه می‌تواند از مصرف‌کننده انرژی به تولیدکننده نظم اکولوژیک بدل شود.



و نهادهی برای طرح‌های سبز درون دانشگاه‌ها، ازجمله عوامل شتاب‌دهنده در این فرایند خواهد بود. تعریف شاخص‌های ارزیابی سبز برای واحدهای دانشگاهی، اعطای رتبه، تخصیص بودجه تشویقی و برگزاری جشنواره‌های رقابتی میان پردیس‌ها، می‌تواند پویایی درونی و انگیزش ساختاری لازم برای تحول را فراهم سازد.

راهبردهای پیشنهادی برای طراحی و استقرار الگوی بومی مدیریت سبز در دانشگاه‌های ایران

با در نظر گرفتن مؤلفه‌های ساختاری، فرهنگی و فناوریانه مطرح شده، طراحی یک مدل بومی و در عین حال منطبق با استانداردهای بین‌المللی برای استقرار مدیریت سبز در نظام آموزش عالی ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چنین الگویی باید از یک‌سو به واقعیت‌های اقلیمی، زیرساختی و نهادی کشور حساس باشد و از سوی دیگر با اصول پذیرفته‌شده جهانی نظیر بهره‌وری منابع، کربن‌زدایی، عدالت زیست محیطی و مشارکت‌پذیری هم‌راستا باشد. در ادامه، ۶ راهبرد کلان برای نیل به این هدف پیشنهاد می‌شود:

الف) تدوین سند سیاستی ملی مدیریت سبز در آموزش عالی

ققدان یک سند بالادستی ناظر بر پایداری دانشگاهی، نخستین مانع در استقرار سیاست‌های محیط‌زیستی است. لازم است وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست، سندی جامع با شاخص‌های کمی، سطوح وظایف، نظام پایش، مکانیسم‌های ارزیابی و جدول زمان‌بندی تدوین کند. این سند باید دارای ضمانت‌های اجرایی، سازوکارهای تنبیه و تشویق و پیوست مالی مشخص برای طرح‌های سبز باشد. همچنین ضرورت دارد شاخص‌های بین‌المللی نظیر UI GreenMetric و STARS به‌عنوان چهارچوب مرجع در آن لحاظ شوند.

ب) ایجاد ساختارهای حکمرانی سبز در سطح دانشگاه

ایجاد «شورای راهبری مدیریت سبز» در هر دانشگاه، متشکل از مدیران ارشد، کارشناسان محیط‌زیست، نمایندگان دانشجویان و اعضای هیئت علمی، گامی کلیدی در نهادین‌سازی حکمرانی محیط‌زیستی است. این شورا، مسئول سیاست‌گذاری داخلی، تدوین برنامه عملیاتی، تخصیص منابع و نظارت بر اجرای برنامه‌های سبز خواهد بود. در سطوح پایین‌تر نیز، تشکیل کمیته‌های سبز در دانشکده‌ها و پردیس‌ها با محوریت کنشگری دانشجویی ضروری است.

ج) استقرار سامانه ملی پایش زیست محیطی دانشگاه‌ها

سامانه‌ای تحت نظارت وزارت علوم، با کارکرد گردآوری، تحلیل و ارزیابی داده‌های محیط‌زیستی دانشگاه‌ها (شامل مصرف انرژی، آب، تولید پسماند، میزان فضای سبز و انتشار کربن)، می‌تواند بستر سیاست‌گذاری داده‌محور را فراهم سازد. اتصال این سامانه به سامانه اطلاعات آماری کشور، موجب هم‌راستایی سیاست‌های دانشگاهی با برنامه‌های اقلیمی کشور خواهد شد.

د) توسعه زیرساخت‌های فناورانه و انرژی‌های تجدیدپذیر

تأمین منابع مالی برای نصب پیل‌های خورشیدی، استفاده از سیستم‌های هوشمند کنترل انرژی، جمع‌آوری آب باران و سامانه‌های بازچرخانی پساب، باید از اولویت‌های بودجه‌ای وزارت علوم و دانشگاه‌ها باشد. تعریف بسته‌های حمایتی

دانشگاه و آموزش الزامی مفاهیم محیط‌زیستی به دانشجویان نو ورود ازجمله اقداماتی است که این دانشگاه‌ها در رتبه‌های برتر جهانی در حوزه پایداری قرار داده است. در اروپا، دانشگاه فرایبورگ آلمان با رویکردی منطقه‌محور، در همکاری با شهرداری و سازمان‌های محیط‌زیستی محلی، پروژه‌هایی چون کمپوست‌سازی، کاهش پسماند و آموزش محیط‌زیستی در مدارس اطراف راه اجرا درآورده است.

این تجربه بر هم‌پوندی دانشگاه با محیط پیرامونی تأکید دارد و نمونه‌ای از تبدیل دانشگاه به بازیگر اکولوژیک در مقیاس شهری است. در سطح ملی نیز هر چند تجربه دانشگاه‌های ایران در قیاس با نمونه‌های جهانی هنوز در سطح طرح‌های ابتدایی قرار دارد، اما برخی دانشگاه‌های سراسری گام‌های مهمی برداشته‌اند. دانشگاه تهران با تأسیس کمیته راهبری پایداری، دانشگاه فردوسی مشهد با تدوین برنامه راهبردی محیط‌زیستی، دانشگاه زنجان با مدیریت جامع پسماند و دانشگاه یزد با طراحی فضای سبز بومی شده، نمونه‌هایی از اقدامات در حال تکوین در مسیر دانشگاه سبز به‌شمار می‌آیند. با این حال، نقطه ضعف مشترک اغلب این تجارب، نداشتن چهارچوبی هماهنگ، عدم ارزیابی مؤثر و ناکارآمدی در تأمین مالی پایدار پروژه‌هاست. این امر گواه آن است که حتی در صورت وجود اراده در سطح دانشگاهی، بدون پشتیبانی ساختار سیاست‌گذاری ملی و الزامات الزام‌آور حقوقی، استمرار و مقیاس‌پذیری مدیریت سبز ممکن نخواهد بود.

الزامات نهادی، ساختاری و فناورانه برای استقرار مدیریت سبز در دانشگاه‌ها

استقرار مدیریت سبز در دانشگاه‌ها مستلزم وجود پیش‌شرط‌هایی چندوجهی در ابعاد سیاست‌گذاری، حکمرانی نهادی، ظرفیت‌سازی فناورانه و فرهنگ‌سازی درون سازمانی است. برخلاف تصور رایج که مدیریت سبز را صرفاً در قالب بهینه‌سازی مصرف یا نصب تجهیزات کم‌مصرف تقلیل می‌دهد، واقعیت آن است که این مقوله واجد جنبه‌ای ساختاری است که بدون اصلاح معماری تصمیم‌گیری، باز مهندسی فرایندهای اجرایی و ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی در تمامی سطوح دانشگاهی، تحقق آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

نخستین الزام، وجود یک چهارچوب سیاستی شفاف و الزام‌آور در سطح ملی یا درون سازمانی است. در ققدان اسناد راهبردی الزام‌آور، اقدامات زیست محیطی دانشگاه‌ها معمولاً در سطح پروژه‌های داوطلبانه یا نامدین باقی می‌مانند. اسنادی نظیر برنامه ملی مدیریت سبز در دستگاه‌های اجرایی، آیین‌نامه‌های وزارت علوم در خصوص شوراها ی پایداری، یا چهارچوب‌های بین‌المللی مانند UI GreenMetric می‌توانند مبنای طراحی چنین چهارچوبی باشند، مشروط بر آنکه درونی‌سازی نهادی و بومی‌سازی منطقه‌ای نیز در آن لحاظ شده باشد.

ایجاد اصلاح ساختار حکمرانی درون دانشگاهی ضرورت می‌یابد. ایجاد «شورای راهبری مدیریت سبز» با مشارکت سطوح مختلف مدیریتی، فنی و علمی، به‌عنوان نقطه ثقل راهبری و نظارت بر عملکرد محیط‌زیستی دانشگاه، یکی از مهم‌ترین الزامات در این زمینه است. این شورا باید مأموریت‌هایی نظیر تدوین برنامه‌های عملیاتی، تخصیص منابع، طراحی شاخص‌های ارزیابی و تعامل با بازیگران بیرونی (شهرداری‌ها، صنایع، سازمان حفاظت محیط‌زیست) را بر عهده گیرد. تجربه دانشگاه‌های پیشرو جهانی نیز تأکید دارد «تمرکز سیاست‌گذاری سبز در یک نهاد تخصصی درون دانشگاه» شرط موفقیت پایدار در این حوزه است.

از سوی دیگر، فراهم‌سازی زیرساخت‌های فناورانه و دیجیتال برای مدیریت سبز، جزء شروط غیرقابل اغماض در این مسیر است. سامانه‌های مدیریت هوشمند انرژی، حسگرهای اینترنت اشیا، پایش مصرف آب، برق و گاز، سامانه‌های دیجیتال بازیافت و نرم‌افزارهای مانیتورینگ زیست محیطی، بستر فناورانه مدیریت داده‌محور را فراهم می‌کنند؛ بستری که بدون آن، امکان تصمیم‌گیری مؤثر و ارزیابی بالادرنگ وجود نخواهد داشت. همچنین توسعه زیرساخت‌های تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در دانشگاه‌ها (نظیر پیل‌های خورشیدی، واحدهای کوچک بادی و سیستم‌های ذخیره انرژی) باید نه به‌عنوان پروژه‌ای تجملاتی، بلکه بخشی از استراتژی کاهش وابستگی به انرژی فسیلی تلقی شود.

نکته حائز اهمیت دیگر، طراحی نظام آموزشی و ترویجی فراگیر است. مدیریت سبز زمانی در یک دانشگاه معنا می‌یابد که تمام ذی‌نفعان آن از دانشجویان و کارکنان خدماتی تا اعضای هیئت علمی و مدیران ارشد درکی روشن، همدلانه و مسئولانه نسبت به موضوع داشته باشند. برای این منظور، تدوین بسته‌های آموزشی محیط‌زیستی برای سطوح مختلف، برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی، تعریف دروس میان‌رشته‌ای و برقراری پیوند میان مفاهیم سبز و تخصص‌های آکادمیک از الزامات اجتناب‌ناپذیر است. سرانجام، در نظر گرفتن مشوق‌های مالی، اعتباری

آگهی تجدید مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان در نظر دارد یک باب مغازه به متراژ ۵۰ متر مربع، واقع در مجتمع اصلی دانشگاهی (مکان انتشارات سابق) خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی و انعقاد قرارداد اجاره به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی با واریز مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت دریافت اوراق مزایده به شماره حساب ۰۲۱۸۷۶۰۱۸۲۰۰۶ شناسه ۱۵۴۷ این دانشگاه (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران) و ارائه رسید آن به واحد حقوقی دانشگاه نسبت به دریافت اوراق مزایده و همچنین بازدید از مکان فوق اقدام نمایند. ضمناً متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۳-۳۵۲۲۵۰۰۱ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

آگهی تجدید مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان در نظر دارد یک باب مغازه به متراژ تقریبی ۵۰ متر مربع، واقع در مجتمع اصلی دانشگاهی (مکان بوفه دانشجویی سابق) خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی و انعقاد قرارداد اجاره به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی با واریز مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت دریافت اوراق مزایده به شماره حساب ۰۲۱۸۷۶۰۱۸۲۰۰۶ شناسه ۱۵۴۷ این دانشگاه (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران) و ارائه رسید آن به واحد حقوقی دانشگاه نسبت به دریافت اوراق مزایده و همچنین بازدید از مکان فوق اقدام نمایند. ضمناً متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۳-۳۵۲۲۵۰۰۱ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

آحمد مهدوی سلیمی فرزند سعید محمود به شماره ملی ۲۰۹۱۷۹۶۹۰۲۴ به شماره پرونده ۸۲۹-۱۴۰۳ نسبت به شش‌دانگ اعیان یک قطعه باغ محصور (که شش‌دانگ عرصه آن موقوفه و آستان قدس رضوی می‌باشد) به مساحت ۲۸۱۵/۸۰ (دو هزار و هشتصد و پانزده متر و هشتاد سانتیمتر) متر مربع قسمتی از پلاک ۱۴۱ اصلی واقع در بخش ۳ ثبت ساری قره به سنگتراشان خریداری از نیک فکر و قربان زاده

آقای سعید اسفندیاری فرزند فضل اله به شماره ملی ۱۲۲۹۳۰۵۰۵۱ به شماره پرونده ۱۱۱۰-۱۴۰۳ نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با بنای احداثی (انباری) به مساحت ۶۴۸/۶۰ (ششصد و چهل و هشت متر و شصت سانتیمتر) متر مربع قسمتی از پلاک ۲۶ اصلی واقع در بخش ۲۹ ثبت ساری شهر فریم خریداری از آقای امیر نیاز طالخونچه محرز گردیده است. لذا به

مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۴/ ۱۴۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۱/ ۰۴/ ۱۴۰۴

میم الف: ۱۹۵۶۵۰۰

فریریز یوسفیان حمیدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳

مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۴/ ۱۴۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۱/ ۰۴/ ۱۴۰۴

میم الف: ۱۹۵۸۱۴۲

فریریز یوسفیان حمیدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳